مدیریت شهری
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014
۱۰۳-۱۲۰
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۹/۱ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۲/۱

بررسی سطح کیفیت زندگی در نواحی شهری؛ مطالعه موردی: شهر نیشابور

علیرضا خواجه شاهکوهی* ـ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه گلستان، گلستان، ایران.
علی‌اکبر نجفی‌کانی ـ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه گلستان، گلستان، ایران.
سمیه شریفان ـ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گلستان، گلستان، ایران.

چکیده
شناخت سطح کیفیت زندگی شهروندان در مقیاس محلات و نواحی شهری و چگونگی نابرابری بین آنها از مهم‌ترین وظایف برنامه‌ریزان شهری است. بر این مبنا پژوهش حاضر درصدد بررسی چگونگی کیفیت زندگی در سطح نواحی مختلف شهر نیشابور می‌باشد که به منظور نیل به این هدف، از روش توصیفی - تحلیلی و مطالعات میدانی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش سرپرستان خانوارهای نواحی چهارگانه شهر نیشابور هستند که از میان آنها و براساس فرمول کوکران نمونه‌ای به حجم ۳۲۱ نفر سرپرست خانوار و به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب و با توجه به تعداد جمعیت در هر یک از نواحی، پرسشنامه‌ها توزیع شده است. نتایج پژوهش حاکی از متفاوت بودن ابعاد اقتصادی ـ اجتماعی و کالبدی زیست‌محیطی کیفیت زندگی در سطح نواحی مختلف، با ضریب معناداری ۹۹٪ است. این تفاوت و نابرابری‌ها در متغیرهای تسهیلات و خدمات شهری، مسائل اجتماعی و... وجود دارد. همچنین نتایج آزمون آماری اسپیرمن بیانگر آن است که بین احساس تعلق به مکان در بین شهروندان ناحیه مورد مطالعه با سطح کیفیت زندگی آنان رابطه معنادار در سطح ۹۹٪ وجود دارد؛ بدین صورت که هر چه احساس تعلق به مکان در بین مردم بیشتر باشد، رضایت آنها از کیفیت زندگی بیشتر خواهد بود. در رابطه با کیفیت زندگی و رضایت از خدمات‌رسانی دستگاه‌های متولی شهری نیز ضریب معناداری ۹۹٪ بدست آمده است که رابطه‌ی مثبتی را نشان می‌دهد. بنابراین، افزایش امکانات و خدمات در یک ناحیه، افزایش کیفیت زندگی را به همراه خواهد داشت. بطورکلی نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد، شهروندان ناحیه چهار در بین دیگر نواحی شهر نیشابور از کیفیت زندگی بهتری برخوردارند.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، رفاه، دسترسی، رضایت‌مندی، نیشابور.

Evaluation of quality of life in urban areas; case study: city of Neyshabur

Abstract
This study is designed to him applicable and developemental and has conducted in survey manner. The population was the head of the households living in four differenc districts of neyshabour city including 57726 peoples. Sample size was 321 which is determined Dy kockran formula sampling method was systematic random. Questionnaire was the instrument to gather data which were distributed according to the size of population in each district descriptive and inferential techniques have been used for data analyzing. Results obtained from kruskall- wallis and ANOVA tests show significancy of %99 between economic component of different districts of neyshabor city. Comparison of means of variables showed that district 4 citizen (mean= 2/63) enjoy a higher level of financial situation to satisfy their needs and district 3 citizens (mean= 2/18) have a lower level of financial situation than other districts. There were many factors to assess level of access to municipal infrastructures. Results provided by comparing means indicated that citizen's satisfaction of access abilty of many services is higher among thos living in district 1 than other places. Environmentally, the study assessed visual, audio, air and water pollution across different districts. Results of kruskal-Wallis test show significant differences at %99 for audio and visual pollution and %95 for air pollution. With regard to water pollution, there is no significant difference between districts. Also, comparisons of means showed district 3 have the most environment pollution. The study inrestigated some of the social factors suchas cooperation and the level of intimacy and the level of intimacy and solidarity between citizen, their security in urban areas etc. result suggest that there is a significant difference at %99 between intimacy of citizen and their satisfaction of healthcare centers. Means comparing showed that comfort and security in district4 (m=3/63) is higher than 3 other districts. Each of the socio-economic and environmental-demographic dimensions was investigated among all four districts. The test results show significancy coefficient of %99 for each dimension so, it can be said with %99 confidence that the afore-mentioned dimensions of quality of life are different across districts investigated, so, our hypothesis has been approved. The study results indicate different levels of socio-economic and environmental-demographic dimensions of quality of life across different districts (significancy coefficient of %99). Also, this difference is observed in variables such as facilities and municipal services, social affairs and etc. moreover, results of spearman statistical test suggest that there is a significant relationship between sense of belonging to a place among citizens of districts under study and their quality of life, such that the more sense of belonging to a place among citizens, the more satisfied they would be of their quality of life. As to relation between quality of life and satisfaction with municipal services, significancy coefficient of %99 has obtained which indicate a positive correlation. So, a higher level of utilities and services in on district will increase quality of life across that district. Overally, results show that district 4 citizens enjoy of a higher level of quality of life.
Keywords: quality of life, urban areas, Neyshabur

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۱۱۷۷۸۷۱۷؛ رایانامه: shahkoohi@gu.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

مقدمه و بیان مسأله

مطالعات اولیه کیفیت زندگی بیشتر مربوط به سلامتی و توانبخشی معلولین، ناتوانی‌های جسمی و ذهنی، کهنسالان، کودکان و زنان بوده است. در واقع ابتدا این مفهوم جهت قشرهایی از مردم تعریف و بکارگرفته می‌شدکه به علت شرایط اقتصادی، اجتماعی ـ فرهنگی و یا جسمی دچار مشکلات فراوان در زندگی خویش بوده‌اند (امینی، ۱۳۸۵، ص ۶). اما امروزه توافق عمومی در میان محققان، سیاست‌گذران و برنامه‌ریزان در خصوص نیاز به مطالعه کیفیت‌زندگی وجود دارد و در حال حاضر این مفهوم به تمامی‌اقشار انسانی و در شکل‌های متفاوت و مختلف تسری یافته است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۸). کیفیت زندگی به عنوان یک اصطلاح، مفهومی‌برای نشان دادن میزان رضایت افراد وگروه‌ها از زندگی است‌که جنبه‌های عینی و ذهنی زندگی را در بر می‌گیرد. مفهوم‌کیفیت از یک طرف در ارتباط با عدالت اجتماعی و از طرفی با رفاه اجتماعی در ارتباط است بنابراین برقراری عدالت اجتماعی در شهرها منجر به افزایش کیفیت زندگی شهروندان و دسترسی آسان و یکسان شهروندان به امکانات و خدمات در شهر می‌شود (محمدی و مهدی زنگنه، ۱۳۸۹، ص ۹۹).

طبق آمارهای موجود، نزدیک به نیمی از مردم جهان، ساکن شهرها می‌باشند و انتظار افزایش آن در دهه‌های آینده نیز وجود دارد (باسخا و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۹۶). این رشد شهرنشینی و همین طور گسترش روز افزون صنعتی شدن‌که خود را با تولید انبوه‌کالاها و خدمات متنوع در بُعد کمی نشان می‌دهد، مشکلات زیادی را برای بشر به همراه آورده است (خوراسگانی، ۱۳۸۶، ص ۶۸). از جمله آن‌ها،کاهش سرانه برخورداری شهروندان از امکانات و خدمات شهری است. این مسائل باعث شده تا سطح کیفیت زندگی شهروندان در شهرها ثابت نگه داشته و یا در مواردی کاهش پیدا کند. این رشد شهرنشینی و نگرانی از پیامدهای ناهنجار آن در عرصه‌های مختلف، برنامه‌ریزان شهری را به سوی نظریه‌ها و گرایش‌های جدید اجتماعی سوق داد و ضرورت توجه به جنبه‌های اجتماعی در مطالعات طرح‌های شهری را بیش از پیش تقویت کرد. علاوه بر این، مطالعات‌کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسأله‌دار، علل نارضایتی مردم، تأثیر فاکتورهای اجتماعی ـ جمعیتی برکیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارآیی سیاست‌ها و استراتژی‌ها بینجامد و بی‌توجهی به چنین مطالعاتی می‌تواند تا حد بسیار زیادی سیستم شهری را مختل نموده و موجی از نارضایتی و بی‌عدالتی را در زمینه برخورداری از امکانات در بین مردم سبب گردد. همچنین اغلب اندیشمندان برنامه‌ریزی به ویژه برنامه‌ریزان شهری اعتقاد دارند‌که برنامه‌ریزی‌ها باید همسو با بهبود کیفیت زندگی باشد؛ به طوریکه بهبود کیفیت زندگی می‌تواند زمینه‌های دیگر توسعه مانند توسعه اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و خدماتی را به همراه داشته باشد. در واقع جوهره اصلی کیفیت زندگی شهری تأمین همزمان نیازهای مادی و معنوی انسان است‌که برای شناخت و ارزیابی آن معمولاً به دو دسته شاخص‌های ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی وکالبدی توجه می‌شود (علی اکبری و مهدی امینی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴). بنابراین صرف برنامه‌ریزی موضوعی یا موضعی بدون توجه به ارزش‌ها، آمال، نگرش‌ها و آرزوهای مردم و ذهنیت خاص آنان به این مفهوم راهگشا نخواهد بود. بدیهی است‌که برنامه‌ریزی به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهری، نیازمند دستیابی به معیارها و شرایطی است‌که آسایش و رضایت‌مندی شهروندان را از طریق برآوردن نیازهای مادی و روانی آنان پاسخ‌گوید (کوکبی، ۱۳۸۴، ص ۴). شهر نیشابور یکی از شهرهایی است‌که از این افزایش جمعیت و مسائل و مشکلات شهری مستثنی نیست. بنابراین، در این پژوهش تلاش شده تا به بررسی سطح کیفیت زندگی شهروندان در نواحی مختلف شهر و بیان تفاوت نواحی با یکدیگر پرداخته شود. با توجه به مباحث مطرح شده، هدف اساسی از انجام این پژوهش؛ بررسی و تعیین سطوح کیفیت زندگی شهروندان در نواحی مختلف شهر نیشابور بر اساس ابعاد اقتصادی-اجتماعی و کالبدی-زیست‌محیطی می‌باشد‌که با توجه به هدف اساسی تحقیق، اکنون این سؤال مطرح است‌که، چه تفاوتی بین

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

سطح کیفیت زندگی شهروندان در ابعاد اقتصادی- اجتماعی وکالبدی- زیست محیطی وجود دارد؟ وکدام ناحیه در شهر نیشابور از لحاظ کیفیت زندگی از وضعیت مطلوبتری برخوردار است؟ لذا با توجه به هدف و سؤالات اساسی مطرح شده، فرضیه‌های علمی به شرح زیر مطرح است:

- میزان سطح کیفیت زندگی شهروندان در ابعاد مختلف اقتصادی- اجتماعی و کالبدی- زیست‌محیطی در نواحی مختلف جغرافیایی شهر نیشابور متفاوت است.
- بین احساس تعلق به مکان در بین شهروندان با میزان رضایت آنها ازکیفیت زندگی رابطه معنادار وجود دارد.
- بین کیفیت زندگی با میزان رضایت مردم از خدمات رسانی دستگاه‌های متولی شهری در زمینه‌های مختلف عمرانی، بهداشتی، آموزشی و غیره رابطه وجود دارد.

مبانی نظری تحقیق

اصطلاح **«کیفیت زندگی»**، واژه‌ی پیچیده وکیفی و در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت و مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، محله و غیره) است (وظیفه دوست و مهدی امینی، ۱۳۸۸، ص ۷). با توجه به اینکه کیفیت زندگی ریشه در ارزش‌ها دارد و این ارزش‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر فرق می‌کند، ارائه تعریفی جامع را برای این اصطلاح با مشکل همراه می‌سازد (Rapley، 2003: 88). در واقع مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب است که از چندین متغیر دیگر مانند سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی- روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی و غیره متأثر می‌گردد.

زمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی را بهزیستی در حوزه‌های اجتماعی، روانی و فیزیکی می‌داند و آن را چنین تعریف می‌کند: «کیفیت زندگی ادراک فرد از موقعیت زندگی خود در چارچوب نظام‌های فرهنگی و ارزشی است که در آن زندگی می‌کند و با اهداف، معیارها، و دغدغه‌های او رابطه دارد. این امر بسیار گسترده است و به شیوه‌ای پیچیده تحت تأثیر سلامت فیزیکی، حالت روانی و میزان استقلال و روابط او با جنبه‌های مهم محیط وی قرار دارد» (Who qol group ،1993: 5). در سال‌های اخیر اهمیت جنبه‌های اجتماعی در عرصه شهرسازی به حدی رسیده‌که مسائل شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بحرینی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۹-۳۰۰)؛ بطوریکه منظور از کیفیت زندگی شهری، توجه به شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و روانی و غیره در دو وجه عینی (کمی) و ذهنی (کیفی) در روند برنامه‌ریزی شهری است: مثل کیفیت دسترسی، کیفیت مسکن، کیفیت فضاهای گذران اوقات فراغت و غیره. به طور کلی کیفیت زندگی شهری، تلاش در جهت ایجاد شهر سالم و فراهم آوردن خدمات شهری مناسب و در دسترس برای همگان در چهارچوب پایداری است (Harpham and et al, 2001: 109).

تحت تأثیر رواج و گسترش مفاهیم کیفی و اجتماعی توسعه از جمله کیفیت زندگی شهری، مباحث و موضوعات جدیدی در عرصه برنامه‌ریزی شهری مطرح شده است که تحول در شیوه‌ها و روش‌های آن را موجب شده است از جمله؛ توسعه دانش و فنون طراحی شهری، برنامه‌ریزی برای اعتلای کیفیت محیط مسکونی، برنامه‌ریزی برای فضاهای فراغتی و تفریحی، تأمین و هدایت مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و مدیریت و غیره. بنابراین از آنجاکه کیفیت زندگی، ویژگی‌های کلی اجتماعی اقتصادی یک ناحیه را نشان می‌دهد، می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی به‌کار رود (Pal and kumar. ،2005: 326) همچنین کیفیت زندگی شهری می‌تواند اطلاعات مفیدی برای برنامه‌ریزی توسعه و طراحی استراتژی‌هایی که کیفیت زندگی شهروندان را ارتقاء می‌دهند، فراهم سازد (خادم الحسینی، ۱۳۸۹، ص ۵۱).

درباره‌کیفیت زندگی دو دیدگاه عمده وجود دارد؛ دیدگاه اسکاندیناویایی، که بیشتر کشورهای اروپایی به ویژه کشورهای اسکاندیناوی طرفدار دارد. جان درینوسکی[1] و ریچارد تیتموس[2] آن را ابداع کرده‌اند. در این رویکرد بر شرایط عینی زندگی و ارضای نیازهای اولیه زندگی تأکید شده است. دیدگاه دوم دیدگاه آمریکایی است که بیشتر

1. Jan Drenowski
2. Rchard Titmus

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

در تحقیقاتی که درکشور آمریکا در مورد کیفیت زندگی انجام شده است، مورد استفاده قرار می‌گیرد و محققان بیشتر به تجارب ذهنی افراد از زندگی‌شان و بر معرف‌های ذهنی توجه‌کرده‌اند. از اثرگذاران بر این رویکرد می‌توان به روانشناس اجتماعی دبلیو.آی. توماس[3] اشاره کرد (غیاثوند، ۱۳۸۸، ص ۲۴). در این پژوهش از دیدگاه آمریکایی استفاده شده است همانطورکه قبلاً توضیح داده شد این دیدگاه بر جنبه‌های ذهنی توجه می‌کند.

از رویکردهای مطرح شده در مورد کیفیت زندگی رویکرد توصیفی و تبیینی است. در رویکرد توصیفی، رابطه‌کیفیت زندگی با متغیرهایی چون جنس و سن و سواد بررسی می‌گردد و در رویکرد تبیینی عوامل مؤثر برکیفیت زندگی اعم از عوامل عینی و ذهنی مورد بررسی قرار می‌گیرند و به دو دسته عاملیت‌گرا و ساختارگرا تفکیک می‌شوند.

تمامی مطالعات کیفیت زندگی تحت دو سر فصل جنبه‌های عینی و جنبه‌های ذهنی صورت می‌گیرد .(14 :Allen, Vogtand cordes, 2002) طبق نظر شالوک[4]، ابعادکیفیت زندگی به مجموعه‌ای از عوامل ارجاع داردکه احساس بهزیستی شخصی را به وجود می‌آورد (205 :Shalock، 2004). بیشتر محققان معتقدند؛ تعداد ابعاد مورد بررسی کیفیت زندگی خیلی مهم نیست، بلکه آن چه اهمیت حیاتی دارد توجه به این مطلب است‌که هر مدل پیشنهادی برای بررسی کیفیت زندگی، باید بتواند نیاز به داشتن یک چارچوب چند بُعدی را تشخیص دهد و به این‌که چه چیزهایی برای مردم در تعیین کیفیت زندگی‌شان مهم است توجه‌کند (خوراسگانی، ۱۳۸۶، ص ۷۵). با این وجود اکثر محققان و صاحبنظران معتقدندکه کیفیت زندگی دارای ابعاد فیزیکی، محیطی، اجتماعی، روانشناختی و اقتصادی است (دهداری، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

در این پژوهش از چهار بُعد (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی) برای بررسی سطح کیفیت زندگی شهروندان استفاده شده‌که هرکدم شاخص‌های مربوط به خود را دارند مثلاً در بُعد اقتصادی مؤلفه‌های درآمد، هزینه، توانایی پس انداز و غیره بررسی شده، در بُعد کالبدی- زیست محیطی شاخص‌های مسکن، دسترسی به خدمات شهری مثل دسترسی به مراکز آموزشی، بهداشتی، درمانی، ورزشی و رضایت از سایر خدمات شهری از جمله؛ فضای سبز، رضایت از جمع آوری بهداشتی زباله، رضایت از جدول کشی معابر، رضایت از مبلمان شهری و غیره مطالعه شده است و در بُعد اجتماعی شاخص‌های مشارکت، آرامش، میزان صمیمیت و همبستگی ساکنین و غیره مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پیشینه‌ی پژوهش

به طورکلی توجه به‌کیفیت زندگی و مفاهیم مربوط به آن به اواخر دهه ۱۹۶۰ بر می‌گردد و مطالعات اولیه در مورد کیفیت زندگی شهری از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد مورد توجه جدی قرارگرفته است. تحقیقات و تلاش‌های پیشین در این زمینه از دانش پژوهان جهان غرب (کمپ بل[5]، گاورز[6] و رود گرز[7] و غیره) که در رشته‌های مختلفی از قبیل جامعه‌شناسی و روان شناسی مشغول فعالیت بوده‌اند آغاز شده است (Tuan seek ،2000 :31). از جمله مطالعات خارجی‌که در رابطه باکیفیت زندگی انجام شده می‌توان به مطالعه مارکانت و اورتگا[8] در سال (2006)، اشاره‌کردکه، استفاده از ارزش افزوده‌ی ناخالص سرانه را به عنوان شاخص توسعه‌ی استانداردهای زندگی، مفیدتر از درآمد سرانه می‌دانند. آن‌ها با استفاده از شاخص تعمیم یافته‌ی توسعه‌ی انسانی و سازگارکردن آن با اقتصاد اسپانیا، ارزش افزوده‌ی سرانه را جانشین درآمد سرانه نمودند. نتایج این جایگزینی نشان داد، علارغم این که ارزش افزوده‌ی سرانه ثابت بوده است، همگرایی بالایی در شاخص‌های مربوط به‌کیفیت زندگی در مناطق مختلف اسپانیا وجود داشته است (باسخا، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱). ریچاردز[9] و همکاران (2007)، در افریقای جنوبی، هر یک ابعاد خاصی ازکیفیت زندگی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافتندکه نابرابری‌های موجود در نهایت موجب ناپایداری شهری می‌شود. همچنین لی[10]

3. W.I.Thomas
4. Shalock
5. Campbell
6. Coverse
7. Rodgers
8. Merchant and Ortega
9. Richards
10. Lee

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

(2008)، با استفاده از شاخص‌های ذهنی به ارزیابی کیفیت زندگی در شهر تایپه پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهدکه وضعیت اجتماع، تعلقات محلی و رضایت از محله بیشترین تأثیر را بر رضایت از کیفیت زندگی دارد.

از مهم‌ترین مطالعاتی‌که در زمینه‌کیفیت زندگی در ایران انجام‌گرفته می‌توان به نتایج مطالعه‌کوکبی (۱۳۸۴) اشاره نمود که معیارهای کیفیت زندگی شهری را در شش عرصه‌ی اصلی زیبایی شناختی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، ارتباطی و حمل و نقل و زیست‌محیطی طبقه‌بندی و ارائه کرده است. نتایج بیانگر آن است که مرکز شهر خرم آباد با توجه به واقعیت‌های موجود در رده‌ی مراکز شهری باکیفیت پایین قرار داردکه برون رفت از این وضعیت نیازمند تدوین سیاست‌گذاری اصولی و بهینه به منظور ارتقاء کیفیت زندگی شهری است.

جاجرمی‌و ابراهیم کلته (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با عنوان سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی از نظر شهروندان در گنبد قابوس دریافتند که از نظر شهروندان گنبدی، وضعیت دسترسی به امکانات شهری در مناطق مختلف این شهر مناسب است ولی مشکلاتی از قبیل آبگرفتگی معابر و رواناب‌های ناشی از بارش و خطر تصادف و بوی تعفن زباله مشکلاتی را در سطح مناطق این شهر به وجود آورده است از طرفی، نتایج مطالعه رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)، نشان می‌دهد که تفاوت آماری معناداری در کیفیت زندگی پاسخگویان با سطوح مختلف سطح تحصیلات، مالکیت مسکن، درآمد، وضعیت شغلی و سن وجود دارد و به طورکلی، کیفیت زندگی با افزایش میزان تحصیلات، درآمد خانوار، مالکیت مسکن و شاغل بودن، افزایش می‌یابد.

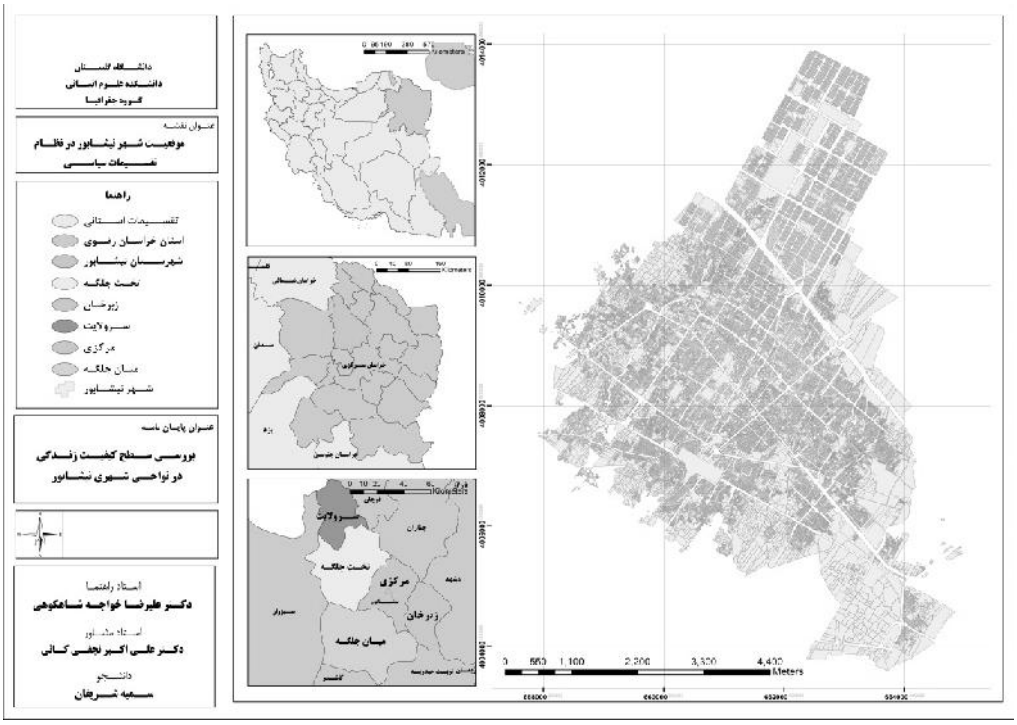
زیاری و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان تحلیل ابعادکیفیت زندگی در نواحی شهری ایران با استفاده از روش موریس، به این نتیجه رسیدندکه نواحی مختلف شهری ایران دارای شکاف عمیقی از منظر شاخص‌های کیفیت زندگی هستند، بطوری که از ۲۵۳ شهر مورد بررسی تنها ۲۴ شهر یعنی ۹/۵ درصد در سطح برخوردار قرار دارند و نزدیک به ۵۰ درصد از نواحی شهری مورد مطالعه به عنوان نواحی محروم محسوب می‌شوند و تهران به عنوان یک ناحیه‌ی شهری ناهمگن، خود را از سایر نواحی شهری مجزا ساخته است و نتایج مطالعه شهرام مهدوی (۱۳۹۰)، با عنوان ارزیابی و سنجش شاخص‌های توسعه به ویژه شاخص‌های کیفیت زندگی در سه ناحیه از شهرکاشان نشان می‌دهد که تفاوت معناداری تا سطح ۹۹٪ در رابطه با مؤلفه‌های اقتصادی و کالبدی- زیست محیطی و تفاوت معنادار ۹۵٪ بین مؤلفه‌های اجتماعی در سطح نواحی مورد مطالعه وجود دارد و میانگین‌های رتبه‌ای بدست آمده نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی- اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی بهتر ناحیه یک نسبت به دو ناحیه دیگر می‌باشد.

با توجه به اینکه بیشتر مطالعات خارجی و داخلی در ارتباط با کیفیت زندگی، مؤلفه‌های اجتماعی و مؤلفه‌های روانشناسانه را مورد بررسی و واکاوی قرار داده‌اند و نتایج حاصل از این پژوهش‌ها تا همین حد خلاصه می‌شد؛ اما اعتقاد بر این است‌که‌کیفیت زندگی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و انسانی می‌تواند از جنبه محیطی و جغرافیایی مورد شناسایی و بررسی قرار بگیرد. از همین جهت مطالعه حاضر بیشتر توجه به این داردکه دریابد محیط جغرافیایی تا چه‌اندازه می‌تواند روی کیفیت زندگی شهروندان تأثیرگذار باشد. بدین جهت این مطالعه با این تفاوت (تأثیر محیط برکیفیت زندگی) به بررسی کیفیت زندگی در سطح نواحی مورد مطالعه پرداخته است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

نیشابور در استان خراسان رضوی و در طول جغرافیایی ۵۸° و ۸´ و عرض شمالی ۳۵° و ۳۵´ واقع‌گردیده است. ارتفاع آن نیز از سطح دریا ۱۲۱۳ متر می‌باشد. این شهرستان در دشت وسیع و همواری قرار گرفته که در شمال آن رشته‌کوه بینالود به صورت نواری در جهت شمال غربی ــ جنوب شرقی امتداد یافته و نیشابور را از شهرستان‌های مشهد، چناران و قوچان جدا می‌سازد. همچنین در قسمت غرب نیشابور شهرستان سبزوار، در قسمت جنوب غربی، شهرستان کاشمر و در جنوب شرقی، شهرستان تربت حیدریه قرار دارد. (مدیح، ۱۳۸۵ ، ص۱). وسعت این شهرستان معادل ۶۷۶۳/۱۴کیلومتر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]



شکل ۱. محدوده مورد مطالعه؛ ماخذ: نگارنده.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

مربع است و جمعیت آن در سال ۱۳۹۰، ۴۳۳۱۰۵ نفر است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و هدف، کاربردی- توسعه‌ای و از لحاظ روش انجام تحقیق، پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش سرپرستان خانوارهای نواحی چهارگانه شهر نیشابور هستندکه ۵۷۷۲۶ نفر می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۱ نفر تعیین شده است که با توجه به تعداد سرپرست خانوار در سطح نواحی و روش تصادفی سیستماتیک، پرسشنامه در بین آنها توزیع شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و از تکنیک‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. بدین صورت که آمار توصیفی ویژگی‌های عمومی پاسخگویان از قبیل سن، جنس، شغل و غیره را بیان می‌کند و در آمار استنباطی برای تعیین رابطه هر یک از متغیرها نسبت به یکدیگر و همچنین متناسب با فرضیه‌های مطرح شده از آزمون‌های کروسکال‌والیس، F-test مستقل و ضرایب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است و در بعضی موارد برای توضیح بیشتر مطالب از نرم‌افزار GIS و Excel استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

ـ یافته‌های توصیفی

در این پژوهش، از جامعه آماری که مورد مطالعه قرار گرفته است، ۲۰۰ نفر معادل (۶۲/۳ درصد) مرد و ۱۲۱ نفر معادل (۳۷/۶ درصد) را زنان تشکیل می‌دهند. کمترین گروه سنی معادل (۸ درصد)، بالای ۵۲ سال سن دارند و بیشترین گروه سنی معادل (۴۹/۸درصد) بین۳۰-۴۰ سال قرار داشته‌اند. از نظر سواد، بیشتر افراد جامعه نمونه دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند و همچنین بیشتر از پنجاه درصد افراد نمونه شغل آزاد دارند.

ـ یافته‌های تحلیلی

یکی از اهداف عمده تحقیقات علمی، آزمون فرضیه‌های طرح تحقیق می‌باشدکه در این بخش تلاش شده تا با بهره‌گیری از تکنیک‌های آمار توصیفی و تحلیلی به تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج شده از پرسشنامه بپردازیم.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۱. بررسی رضایت شهروندان نواحی مختلف از مؤلفه‌های اقتصادی با آزمون کروسکال‌والیس؛
مأخذ: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۲؛ عدم معناداری NS ** معناداری ۱٪ * معناداری ۵٪

مؤلفه	میانگین					درجه آزدی (df)	ضریب کای اسکوئر	درجه معناداری (sig)
	ناحیه ۱	ناحیه ۲	ناحیه ۳	ناحیه ۴	جمع			
تأمین نیازهای اساسی	۲/۵۷	۲/۵۰	۲/۱۸	۲/۶۳	۲/۴۷	۳	۸/۴۴	۰,۰۳۸*
دسترسی به بازارها و بازارچه‌ها	۳	۲/۵۲	۲/۸۵	۲/۴۸	۲/۷۱	۳	۱۱/۵۷	۰,۰۰۹**
توانایی پس انداز	۱/۹۰	۱/۸۸	۱/۷۶	۲/۱	۱/۹۱	۳	۵/۵۰	NS ۰,۱۳۸
امنیت شغلی (بیمه شغلی و غیره)	۱/۸۱	۱/۰۸	۱/۷۵	۲/۴۴	۱/۹۵	۳	۱۲/۶۵	۰,۰۰۵**

در این پژوهش به منظور تعیین میزان سطح کیفیت زندگی شهروندان در ابعاد مختلف اقتصادی- اجتماعی و کالبدی- زیست‌محیطی در نواحی مختلف شهر نیشابور از آزمون ناپارامتریک کروسکال‌والیس و از آزمون F یک‌طرفه استفاده شده است. در ابتدا به بررسی هر یک از مؤلفه‌های ابعاد ذکر شده در سطح نواحی مورد مطالعه پرداخته‌ایم.

- بُعد اقتصادی

بی‌شک زندگی انسان‌ها تحت تأثیر شرایط اقتصادی قراردارد. در واقع شرایط اقتصادی تعیین کننده‌ی نوع تصمیم‌گیری در وجوه مختلف زندگی از جمله میزان قدرت خرید، نوع شغل و غیره می‌باشد. نتایج آزمون کروسکال‌والیس درباره مؤلفه‌های اقتصادی نشان می‌دهد که در مورد رضایت از دسترسی به بازارها و بازارچه‌های محلی و امنیت شغلی (بیمه شغلی و بازنشستگی) ضریب معناداری ۹۹٪ و برای مؤلفه‌ی رضایت از توانایی مالی مردم برای تأمین نیازهای اساسی زندگی ضریب معناداری ۹۵٪ بدست آمده است. برای روشن‌تر شدن اختلاف رضایت ساکنین نواحی مختلف از مؤلفه‌های فوق، به مقایسه‌ی میانگین هر یک از مؤلفه‌ها می‌پردازیم. میانگین‌های بدست آمده نشان می‌دهدکه شهروندان ناحیه چهار با میانگین ۲/۶۳، از توانایی مالی بیشتری برای تأمین نیازهای اساسی زندگی برخوارند و شهروندان ناحیه سه با میانگین ۲/۱۸ در بین سایر نواحی از توانایی مالی کمتری برخوردارند. طبق بررسی‌های انجام شده نواحی چهار و یک قشر نسبتاً مرفه‌ی از مردم هستند، بنابراین توانایی مالی بیشتری جهت برآوردن نیازهای اساسی زندگی‌شان دارند و دو ناحیه دیگر به دلیل توان اقتصادی پایین،کمتر می‌توانند نیازهای خود را تأمین کنند. دومین مؤلفه‌ای که در سطح نواحی اختلاف دارد؛ دسترسی به بازارها و بازارچه‌های محلی است که از بین نواحی مختلف بیشترین دسترسی را ساکنین ناحیه یک با میانگین سه وکمترین دسترسی را شهروندان ناحیه چهار با میانگین ۲/۴۸ دارند. وجود بازارها و میدان‌های تره‌بار از جمله (میدان روز، میدان باغات و...) و همین‌طور مجاور بودن این نواحی با شریان‌های اصلی شهر از جمله دلایل رضایتمندی ساکنین نواحی یک و سه است. آخرین مؤلفه‌ای که در بین نواحی متفاوت است، رضایت مردم از امنیت شغلی (بیمه شغلی و بازنشستگی) است. با توجه به پاسخ‌های دریافت شده، شهروندان ناحیه چهار با میانگین ۲/۴۴ بیشترین رضایت را داشته‌اند چون بیشتر ساکنین این ناحیه راکارمندان دولت تشکیل می‌دهند بنابراین بیشتر از بیمه و مزایای آن برخوردار هستند و مردم ساکن در ناحیه سه با میانگین ۱/۷۵کمترین رضایت را از بیمه و مزایای آن داشته‌اند.

از دیگر مؤلفه‌های اقتصادی که مورد بررسی قرارگرفته است درآمد و هزینه است که این دو مؤلفه نیز در سطح

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۲. بررسی درآمد و هزینه ماهیانه در سطح نواحی مختلف با استفاده از آزمون F؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۲ **
معناداری ۱٪

ردیف	مؤلفه	درجه آزادی	f	ضریب معناداری(sig)
۱	درآمد	۳	۸/۷۳۳	۰,۰۰۰**
۲	هزینه	۳	۷/۵۹۲	۰,۰۰۰**

جدول ۳. طبقه‌بندی نواحی مختلف از لحاظ هزینه و درآمد ماهیانه با استفاده از تست دانکن؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

متغیر نواحی	درآمد	متغیر نواحی	هزینه
ناحیه ٤	(C) ۹۳۷۵۴۰	ناحیه ۴	(B) ۹۶۷۸۶۸
ناحیه ۱	(B) ۷۷۱۸۵۱	ناحیه ۱	(A) ۷۴۰۳۷۰
ناحیه ۲	(AB) ۶۵۸۹۴۳	ناحیه ۲	(A) ۶۵۶۳۳۸
ناحیه ۳	(A) ۵۸۸۹۰۶	ناحیه ۳	(A) ۶۴۲۱۸۷

نواحی متفاوت هستند؛ بطوریکه تفاوت معنادار ۹۹٪ برای هر دو مؤلفه بدست آمده است. از آنجاکه آزمون F قادر به بیان اختلاف میان نواحی نمی‌باشد، جهت نمایان ساختن اختلاف نواحی از تست دانکن استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهدکه ناحیه سه با میانگین درآمد (۵۸۸ هزار تومان)، کمترین درآمد و در طبقه اول (A) و ناحیه چهار با میانگین درآمد (۹۳۷ هزارتومان)، بیشترین درآمد و در طبقه سوم (C) قرار دارد. از لحاظ هزینه نیز همانند درآمد، ناحیه سه با کمترین هزینه (۶۴۲ هزارتومان) در طبقه اول (A) و ناحیه چهار با بیشترین هزینه (۹۶۷ هزارتومان) در طبقه دوم (B) جای دارد. بیشترین هزینه و درآمد متعلق به شهروندان ناحیه چهار می‌باشد.

- بُعد کالبدی

در رابطه با دسترسی مردم به خدمات و زیرساخت‌های شهری مؤلفه‌های زیادی را می‌توان مطرح کردکه در این پژوهش به بررسی تعدادی از آنها پرداخته‌ایم. از بین موارد مطرح شده، برای رضایت از مؤلفه‌های دسترسی به بانک و مراکزمالی، مراکز بهداشتی و مراکز فرهنگی ضریب معناداری تا سطح اطمینان ۹۵٪ و برای رضایت از دسترسی به مراکز اداری ـ دولتی، دسترسی به درمانگاه، دسترسی به مراکز ورزشی و همچنین برای دسترسی به مراکز آموزشی و دسترسی به پارک تفاوت معنادار تا سطح اطمینان ۹۹٪ بدست آمده است. در ادامه نتایج بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد رضایت شهروندان ناحیه یک در زمینه دسترسی به بسیاری از خدمات نسبت به سایر نواحی بیشتر بوده از جمله؛ دسترسی به بانک و مراکز مالی با میانگین ۳/۲۵، دسترسی به مراکز اداری و دولتی با میانگین ۲/۷۹و غیره. چون توزیع و پراکندگی این مراکز بیشتر در ناحیه یک قرار دارد. مثلاً شکل شماره ۲ توزیع و پراکندگی مراکز درمانی را در سطح شهر نشان می‌دهد، همانطورکه ملاحظه می‌کنید بیشتر این مراکز در مرکز شهر و در ناحیه یک قرارگرفته‌اند. کمترین رضایت از مؤلفه‌های دسترسی به مراکز اداری و دولتی با میانگین ۲/۱۶ و دسترسی به درمانگاه با میانگین ۲/۱۹ متعلق به شهروندان ناحیه دو می‌باشد. از لحاظ دسترسی به مراکز مالی و مراکز آموزشی نیز مردم ساکن در ناحیه سه کمترین رضایت را داشته‌اند و در رابطه با دسترسی به مراکز بهداشتی، شهروندان ناحیه سه و دسترسی به مراکز فرهنگی شهروندان ناحیه یک بیشترین رضایت را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در رابطه با دسترسی مردم به پارک و مراکز ورزشی، رضایت

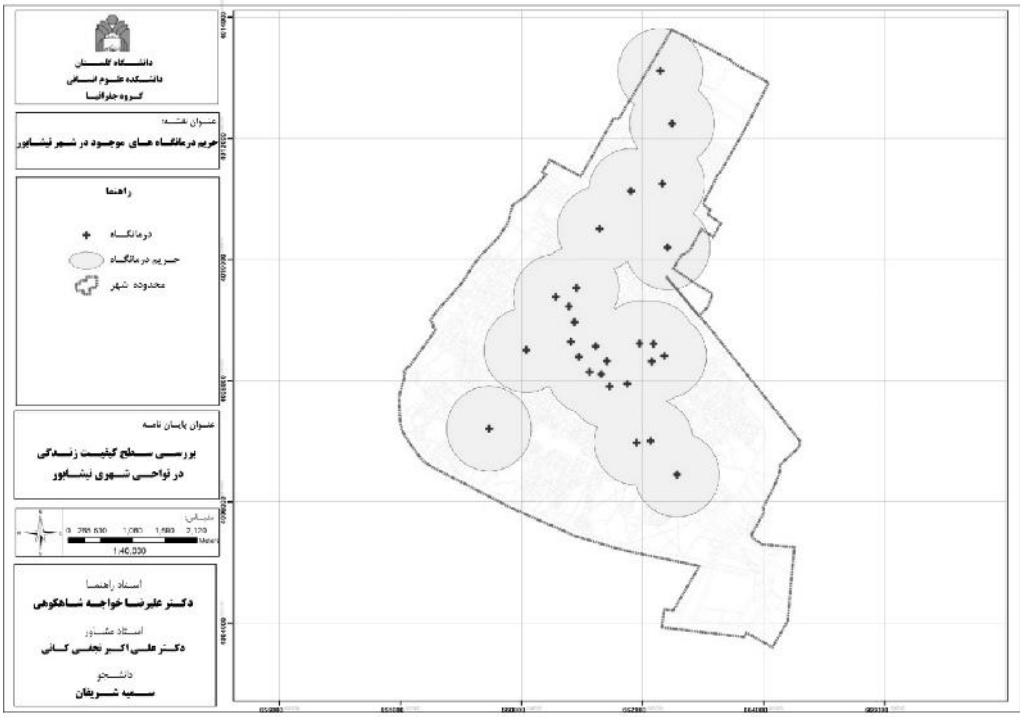
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۴. بررسی رضایت ساکنان نواحی مختلف از لحاظ دسترسی به خدمات با استفاده از آزمون کروسکال‌والیس؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1392؛ عدم معناداری NS** معناداری ۱٪ * معناداری ۵٪

مؤلفه	میانگین					درجه آزدی (df)	ضریب کای اسکوئر	ضریب معناداری (sig)
	ناحیه ۱	ناحیه ۲	ناحیه ۳	ناحیه ۴	جمع			
بانک و مراکز مالی	۳/۲۵	۲/۷۶	۲/۶۸	۲/۸۸	۲/۸۹	۳	۸/۸۹	۰,۰۳۱*
مراکز اداری	۲/۷۹	۲/۱۶	۲/۶۸	۲/۶۷	۲/۵۷	۳	۱۷/۲۶	۰,۰۰۱**
درمانگاه	۲/۸۵	۲/۱۹	۲/۶۲	۲/۶۵	۲/۵۸	۳	۱۷/۷۸	۰,۰۰۰**
مرکز بهداشت	۲/۲۰	۲/۲۵	۲/۳۸	۲	۲/۲۱	۳	۵/۹۱	۰,۰۱۷*
مراکز ورزشی	۱/۸۷	۲/۰۵	۱/۹۲	۲/۶۲	۲/۱۱	۳	۱۵/۶۴	۰,۰۰۱**
مراکز فرهنگی	۲/۲۵	۲	۱/۹۹	۲/۱۳	۲/۰۹	۳	۷/۵۷	۰,۰۲۸*
مراکز آموزشی	۳/۱۲	۲/۷۳	۲/۴۸	۳	۲/۸۳	۳	۱۳/۲۰	۰,۰۰۴ **
ایستگاه اتوبوس	۲/۹۲	۲/۸۹	۲/۸۵	۳	۲/۹۱	۳	۳/۹۳	۰,۲۶۹Ns
پارک	۲/۸۵	۲/۲۰	۱/۷۸	۲/۵۰	۲/۳۳	۳	۳۲/۲۸	۰,۰۰۹**

شهروندان ناحیه چهار بیشتر بوده است. یکی از دلایل وجود رضایت از دسترسی به مراکز ورزشی، وجود ورزشگاه بزرگ انقلاب در این ناحیه است.

مسکن و داشتن سرپناه یکی از نیازهای اساسی هر فرد به حساب می‌آید. در واقع یکی از عواملی که باعث می‌شود افراد از زندگی‌شان احساس رضایت داشته باشند، داشتن مسکن مناسب است. بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع به شناخت مسکن شهروندان در سطح نواحی مختلف، از لحاظ مساحت و قدمت پرداخته‌ایم. براساس نتایج حاصل از آزمون F که در جدول ذیل بیان



نقشه ۲. شعاع دسترسی مراکز درمانی در سطح شهر؛ ماخذ: نگارندگان.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۵. بررسی مساحت زمین و مسکن در سطح نواحی مختلف با استفاده از آزمون F؛
مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ * معناداری ۵٪

ردیف	مؤلفه	درجه آزادی	F	ضریب معناداری(sig)
۱	مساحت زمین	۳	۲/۹۸۲	۰,۰۳۲**
۲	مساحت زیربنا	۳	۲/۸۵۲	۰,۰۳۷**

جدول ۶. طبقه‌بندی نواحی چهارگانه از نظر مساحت زمین و زیربنا از طریق تست دانکن؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

متغیر نواحی	مساحت زمین (متر مربع)	متغیر نواحی	مساحت زیربنا (متر مربع)
ناحیه ٤	(B) ۱۷۸/۳۱	ناحیه ۴	(B) ۱۰۰/۱۶
ناحیه ۳	(A) ۱۳۹/۳۴	ناحیه ۱	(AB) ۹۲/۶۲
ناحیه ۲	(A) ۱۳۷/۳۷	ناحیه ۳	(A) ۸۲
ناحیه ۱	(A) ۱۳۸	ناحیه ۲	(A) ۷۹/۸۵

جدول ۷. بررسی وضعیت مسکن در نواحی مختلف شهر نیشابور؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

نواحی / متغیر	ناحیه ۱		ناحیه ۲		ناحیه۳		ناحیه ٤	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
وضعیت مسکن								
نوساز	۲۸	۵۳/۸	۵۷	۴۱	۲۷	۴۵	۳۶	۶۲
قدیمی	۲۴	۴۶/۲	۸۲	۵۹	۳۳	۵۵	۲۲	۳۸

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

شده است. تفاوت معنادار ۹۵٪ برای مساحت زمین و مساحت زیربنای واحد مسکونی در سطح نواحی بدست آمده است.

سپس همانطورکه قبلاً اشاره شد برای طبقه‌بندی نواحی از نظر مساحت زمین و مسکن و بیان اختلاف آن‌ها، از تست دانکن استفاده شده است طبق اعداد و ارقام مندرج در جدول ذیل کمترین مساحت زمین مربوط به ناحیه دو با میانگین (۱۳۷/۳۷ متر) و بیشترین مساحت زمین نیز مربوط به ناحیه چهار با میانگین (۱۷۸ متر) است. از نظر مساحت زیربنا نیز ناحیه دو کمترین مساحت زیربنای واحد مسکونی با میانگین (۷۹ متر) و ناحیه چهار بیشترین مساحت، با میانگین (۱۰۰متر) را دارد. جدول شماره ۷ میانگین متراژ زمین و زیربنای واحد مسکونی را در سطح نواحی نشان می‌دهد.

علاوه بر مساحت زمین و زیربنا در ارزیابی واحد مسکونی، وضعیت بنا از لحاظ کیفی مثل نوساز و قدیمی بودن و یا داشتن امکانات مناسب جهت زندگی مهم و قابل توجه است. بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع به بررسی وضعیت بنا در محدوده مورد مطالعه پرداخته‌ایم. بیشترین درصد مسکن نوساز مربوط به ناحیه چهار معادل (۶۲ درصد) است. چون بیشترین ساخت و سازها و همچنین بیشترین توسعه‌ی شهر در سال‌های اخیر به این سمت بوده است. ایجاد شهرک‌های جدید در این ناحیه مثل شهرک بسیج، شهرک قدس و غیره همگی گویای این واقعیت هستند. بیشترین مسکن قدیمی نیز مربوط به ناحیه دو معادل

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۸. بررسی برخی از آلودگی‌های زیست‌محیطی در نواحی شهری با آزمون کروسکال‌والیس؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛
عدم معناداری NS ** معناداری ۱٪ * معناداری ۵٪

مؤلفه	میانگین					درجه آزدی (df)	ضریب کای اسکوئر	ضریب معناداری (sig)
	ناحیه ۱	ناحیه ۲	ناحیه ۳	ناحیه ۴	جمع			
آلودگی هوا	۲/۰۹	۱/۸۴	۲/۱۸	۱/۶۳	۱/۹۳	۳	۱۰/۲۱	۰,۰۱۷*
آلودگی صوتی	۲/۹۰	۲/۸۹	۳/۰۴	۲/۱۴	۲/۷۴	۳	۲۰/۵۲	۰,۰۰۰**
آلودگی بصری	۲/۷۷	۲/۸۹	۳/۰۷	۲/۲۷	۲/۷۵	۳	۱۶/۱۴	۰,۰۰۱**
آلودگی آب	۲/۱۱	۱/۹۶	۲	۱/۹۳	۲	۳	۰/۶۹۵	۰,۸۷۴Ns

(۵۹ درصد) می‌باشد چون قسمتی از بافت قدیمی و فرسوده در این ناحیه قرار دارد. در این رابطه مطالعات اسنادی بیانگر اینست که بیشترین مسکن بادوام در ناحیه چهار قرار دارد به طوریکه ازکل مساحت آن فقط ۵۶/۶ هکتار از مساکن‌کم دوام هستند.

- بُعد زیست‌محیطی

اصولاً تغییر نامطلوب در خواص فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی هر محیطی که موجب به خطر افتادن یا آشفتگی شرایط سلامت جسمی و روحی انسان گردد. آلودگی به شمار می‌رود (بهرام سلطانی، ۱۳۷۳، ص ۵۶). در این پژوهش جهت بررسی این بُعد به بررسی آلودگی بصری، آلودگی صوتی، آلودگی هوا و آلودگی آب در سطح نواحی پرداخته‌ایم.

در رابطه با مؤلفه‌های مطرح شده، نتایج آزمون کروسکال‌والیس تفاوت معنادار ۹۹٪ را برای آلودگی صوتی و آلودگی بصری و تفاوت معنادار تا سطح اطمینان ۹۵٪ را برای مؤلفه‌ی آلودگی هوا نشان می‌دهد. در زمینه آلودگی آب تفاوت معناداری در سطح نواحی دیده نمی‌شود. همچنین مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد در رابطه با آلودگی‌های فوق، ناحیه سه بیشترین آلودگی را داردکه از دلایل آن وجودکارگاه‌ها و مغازه‌های جوشکاری و تعمیرگاه ماشین و همین طور وجود پایانه مسافربری روستایی در این ناحیه است و ناحیه چهارکمترین آلودگی را دارد دلیل آن اینست‌که صنایع وکارگاه‌های مزاحم در این ناحیه کمتر وجود دارد و دور از مرکز شهر است. بنابراین، سروصدا و آلودگی صوتی و آلودگی بصری در این ناحیه نسبت به نواحی دیگرکمتر است.

ـ بُعد اجتماعی

در این پژوهش بعضی از مؤلفه‌های اجتماعی مثل مشارکت، میزان صمیمیت و همبستگی ساکنین، امنیت شهروندان در فضاهای شهری و غیره مورد بررسی قرار گرفته است. برای بررسی این عوامل همانند مؤلفه‌های قبلی از آزمون کروسکال‌والیس استفاده شده و سپس به منظور بیان اختلاف نواحی در مورد مؤلفه‌های مطرح شده، به مقایسه‌ی میانگین هر یک از مؤلفه‌ها در سطح نواحی پرداخته‌ایم. نتایج آزمون نشان می‌دهد؛ برای مؤلفه‌ی وجود آرامش، امنیت بانوان و کودکان، میزان روشنایی معابر، وجود فضای مخروبه و ناامن تفاوت معنادار تا سطح اطمینان ۹۹٪ و در مورد مؤلفه‌های میزان صمیمیت و همبستگی ساکنین و رضایت از مراکز بهداشتی ـ درمانی تفاوت معنادار تا سطح اطمینان ۹۵٪ بدست آمده است. در بقیه موارد از جمله؛ مشارکت شهروندان در امور شهری، آموزش شهرنشینی و شهروند مداری، پایبندی به رسوم مذهبی و غیره تفاوتی معناداری در سطح نواحی دیده نمی‌شود. ولی در مؤلفه‌هایی که در سطح نواحی چهارگانه دارای اختلاف هستند، مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد؛ مؤلفه‌ی وجود آرامش در ناحیه چهار با میانگین ۳/۶۳ نسبت به سه ناحیه دیگر بیشتر است. همانطورکه قبلاً ذکر شد نبود مراکز صنعتی و مراکز تجاری زیاد و بالا بودن پایگاه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۹. بررسی رضایت شهروندان نواحی از مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی با آزمون کروسکال‌والیس؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ عدم معناداری NS** معناداری ۱٪ * معناداری ۵٪

مؤلفه	میانگین					درجه آزدی (df)	ضریب کای اسکوئر	ضریب معناداری (sig)
	ناحیه ۱	ناحیه ۲	ناحیه ۳	ناحیه ۴	جمع			
ایجاد زمینه‌ی مشارکت شهروندان	۱/۷۵	۱/۸۳	۱/۶۵	۱/۸۸	۱/۷۷	۳	۲/۲۴	NS ۰,۵۲۳
آموزش شهرنشینی	۱/۵۳	۱/۵۲	۱/۵۰	۱/۸۰	۱/۵۸	۳	۴/۹۶	NS ۰,۱۷۴
صمیمیت و همبستگی ساکنین	۲/۷۰	۲/۷۳	۲/۷۹	۲/۳۶	۲/۶۷	۳	۷/۸۷	۰,۰۴۹*
وجود آرامش	۲/۷۲	۲/۷۴	۲/۶۸	۳/۶۳	۲/۹۴	۳	۳۱/۸۳	۰,۰۰۰**
پایبندی به رسوم مذهبی	۳/۳۷	۳/۴۵	۳/۳۲	۳/۴۱	۳/۳۸	۳	۰/۶۵۳	NS ۰,۸۸۴
پایبندی به رسوم ملی	۳/۲۰	۳/۱۴	۳/۲۶	۳/۱۸	۳/۱۹	۳	۰/۴۰۲	NS ۰,۹۴۰
مراکز بهداشتی و درمانی	۲/۴۸	۲/۴۴	۲/۳۵	۲/۹۰	۲/۵۴	۳	۸/۲۲	۰,۰۴۲*
مراکز و مؤسسات آموزش عالی	۱/۸۰	۱/۷۱	۱/۷۵	۲	۱/۸۱	۳	۵/۳۶	NS ۰,۱۲۷
امنیت بانوان و کودکان در اماکن عمومی	۲/۸۱	۲/۸۰	۲/۷۹	۳/۴۲	۲/۹۵	۳	۱۵/۵۴	۰,۰۰۱**
وجود فضای متروکه و مخروبه	۲/۲۴	۲/۳۵	۲/۳۳	۱/۷۰	۲/۱۵	۳	۱۵/۶۵	۰,۰۰۱**
میزان روشنایی معابر	۲/۸۳	۲/۵۰	۲/۵۱	۳	۲/۷۱	۳	۱۲/۳۱	۰,۰۰۶**

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

اجتماعی و فرهنگی شهروندان در این ناحیه باعث شده که مردم آرامش بیشتری داشته باشند. کمترین آرامش متعلق به شهروندان ناحیه یک و سه با میانگین ۲/۷۲ و ۲/۶۸ می‌باشد؛ وجود پایانه مسافربری، وجود صنایع و کارگاه‌ها در این دو ناحیه از عوامل کمبود آرامش هستند. بیشترین میانگین بدست آمده در مورد رضایت از مراکز بهداشتی درمانی متعلق به شهروندان ناحیه چهار با میانگین ۲/۷۵ می‌باشد و در نهایت میزان صمیمیت و همبستگی ساکنین ناحیه سه بیشتر است. همین طور بررسی مؤلفه‌های امنیت نشان می‌دهد ناحیه دو با میانگین ۲/۳۵ دارای بیشترین فضای متروکه و ناامن است و کمترین فضای متروکه مربوط به ناحیه چهار با میانگین ۱/۷۰ است. مطالعات اسنادی نیز نشان می‌دهد کمترین فضای مخروبه در ناحیه چهار وجود دارد که معادل ۸۵۰ متر مربع است. از لحاظ روشنایی معابر نیز شهروندان ناحیه چهار و ناحیه یک بیشترین رضایت و شهروندان ناحیه دو کمترین رضایت را داشته‌اند. همین‌طور طبق اعداد و ارقام بدست آمده میزان امنیت زنان در ناحیه چهار با میانگین ۳/۴۲ در مقایسه با سایر نواحی بیشتر است.

در ادامه برای تأیید و یا رد فرضیه‌ی مطرح شده، بعد از اینکه تک تک مؤلفه‌های ابعاد اقتصادی- اجتماعی و کالبدی-زیست‌محیطی در سطح نواحی چهارگانه بررسی شد، از تمام ابعاد مطرح شده آزمون گرفته می‌شود که نتایج آزمون ضریب معناداری ۹۹٪ را برای هر بُعد نشان می‌دهد. بنابراین، با اطمینان ۹۹٪ می‌توان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۱۰. مقایسه ابعاد کیفیت زندگی در نواحی مختلف شهری با استفاده از آزمون کروسکال‌والیس؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ ** معناداری ۱٪

مؤلفه	میانگین				درجه آزادی (df)	ضریب کای اسکوئر	ضریب معناداری (sig)
	ناحیه ۱	ناحیه ۲	ناحیه ۳	ناحیه ۴			
بُعد اقتصادی	۲/۲۵	۲/۱۶	۲/۰۱	۲/۴۵	۳	۱۸/۱۵	۰,۰۰۰**
بُعد کالبدی	۲/۴۲	۲/۲۴	۲/۱۴	۲/۷۳	۳	۴۶/۵۸	۰,۰۰۰**
بُعد اجتماعی فرهنگی	۲/۳۴	۲/۲۷	۲/۲۴	۲/۴۸	۳	۲۱/۳۷	۰,۰۰۳**
بُعد زیست محیطی	۲/۴۷	۲/۳۹	۲/۵۷	۲	۳	۱۸/۳۸	۰,۰۰۰**

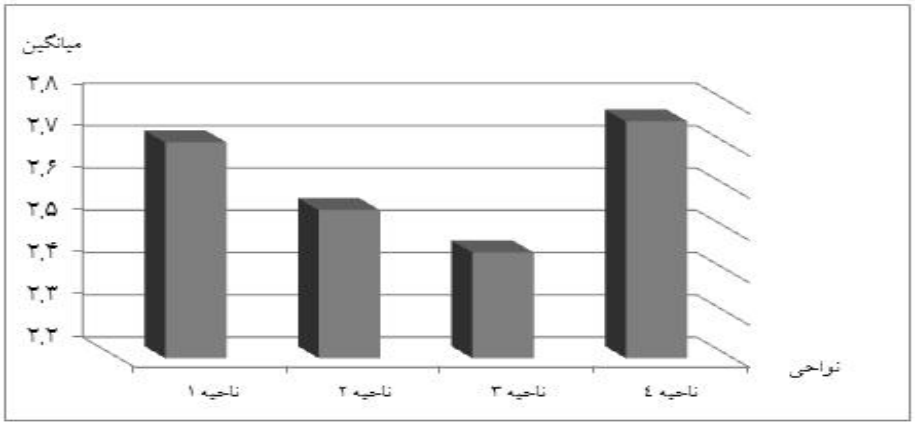
گفت‌که ابعادکیفیت زندگی مذکور در سطح نواحی مورد مطالعه متفاوت است در نتیجه فرضیه مطرح شده مورد تأیید قرار می‌گیرد.

در زمینه رضایت شهروندان نواحی مختلف از سطح کیفیت زندگی‌شان نتایج میانگین‌ها نشان می‌دهد که شهروندان ناحیه چهار با میانگین ۳/۱۱ بیشترین رضایت و ساکنان ناحیه سه با میانگین ۲/۶۷ کمترین رضایت را داشته‌اند. از دلایل رضایت‌مندی ساکنین ناحیه چهار، وجود امکانات و خدمات و همچنین درآمد بیشتر ساکنین این ناحیه نسبت به سایر نواحی است.

ـ فرضیه دوم

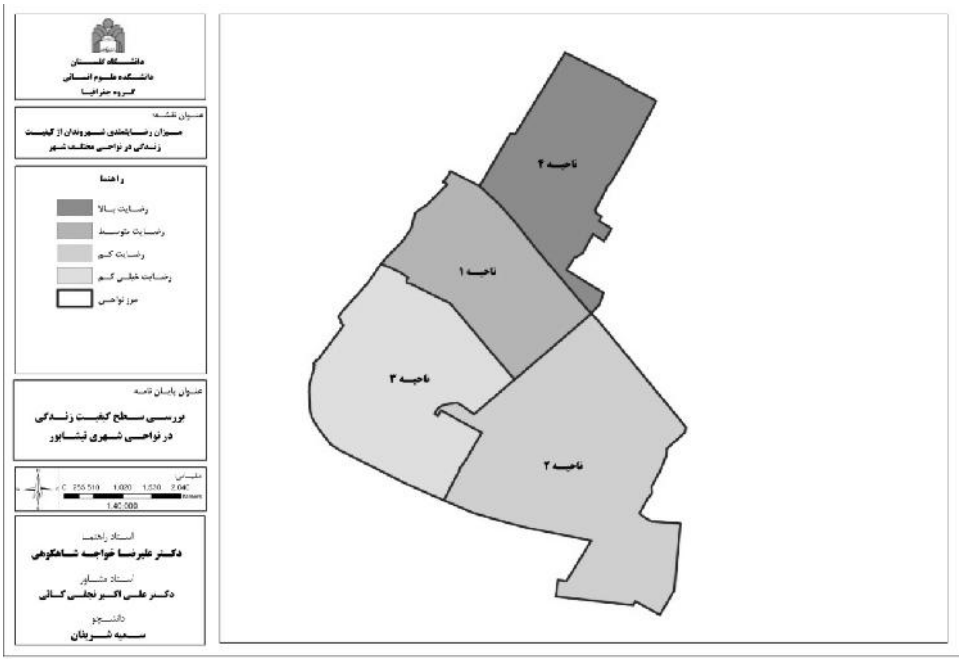
بین احساس تعلق به مکان در بین شهروندان با میزان رضایت آنها ازکیفیت زندگی رابطه معنادار وجود دارد. دومین فرضیه‌ی این پژوهش است. در این فرضیه ابتدا به بررسی رضایت شهروندان نواحی مختلف از مؤلفه‌های احساس تعلق به مکان (میزان علاقه و دلبستگی به محل زندگی، احساس دلتنگی نسبت به محل زندگی و میل به ماندگاری در محل زندگی) با استفاده از آزمون کروسکال‌والیس و مقایسه میانگین‌ها پرداخته‌ایم‌که نتایج آزمون نشان داد رضایت شهروندان نواحی مختلف در دو مؤلفه‌ی میزان علاقه و دلبستگی به محل زندگی و میل به ماندگاری در محل زندگی با ضریب اطمینان ۹۹٪ متفاوت است و مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهدکه در دو مؤلفه‌ی ذکر شده رضایت شهروندان ناحیه چهار بیشتر است.

سپس جهت تأیید و یا رد فرضیه مطرح شده از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است‌که نتایج این آزمون در جدول شماره ۱۳ ضریب معناداری ۹۹٪ را برای هر سه مؤلفه نشان می‌دهد. در واقع مؤلفه‌های مذکور (احساس تعلق به مکان) بر روی کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارند. بدین گونه که با افزایش



نمودار ۱. مقایسه رضایت شهروندان نواحی مختلف از سطح کیفیت زندگی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]



نقشه ۳. مقایسه رضایت شهروندان نواحی مختلف از سطح کیفیت زندگی

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

علاقه و دلبستگی و تمایل به ماندن در محل سکونت میزان رضایت آنها از کیفیت زندگی بیشتر می‌شود. بنابراین این فرضیه تأیید می‌شود.

ـ فرضیه سوم

امروزه زندگی در شهرها بیش از هر دوره دیگری وابسته به خدمات شهری شده است؛ بطوریکه این خدمات نقش بسیار مهمی درکیفیت زندگی شهروندان دارند. بر این مبنا فرضیه سوم وآخرین فرضیه این پژوهش بدین صورت مطرح شده است‌که بین کیفیت زندگی با میزان رضایت مردم از خدمات رسانی دستگاه‌های متولی شهری در زمینه‌های مختلف عمرانی، بهداشتی، آموزشی و غیره رابطه وجود دارد. جهت تأیید و یا رد فرضیه فوق همانند فرضیه قبلی از آزمون آماری

جدول ۱۱. بررسی رضایت شهروندان نواحی از مؤلفه‌های احساس تعلق به مکان با آزمون کروسکال‌والیس؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲؛ NS عدم معناداری ** معناداری ۱٪

مؤلفه	میانگین					درجه آزدی (df)	ضریب کای اسکوئر	درجه معناداری (sig)
	ناحیه ۱	ناحیه ۲	ناحیه ۳	ناحیه ۴	جمع			
میزان علاقه و دلبستگی به محل زندگی	۳/۱۸	۲/۷۲	۳/۰۹	۳/۳۱	۲/۹۵	۳	۱۷/۱۳	۰,۰۰۹**
احساس دلتنگی به محل زندگی	۲/۸۱	۲/۶۷	۲/۷۱	۲/۸۷	۲/۲۳	۳	۲/۵۲	۰,۰۹۸NS
میل به ماندگاری در محل زندگی	۳/۰۶	۲/۷۷	۲/۹۶	۳/۳۸	۲/۱۵	۳	۱۲/۹۱	۰,۰۰۵**

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۱۲. بررسی رابطه میزان علاقه و تعلق به مکان با کیفیت زندگی با ضریب همبستگی اسپیرمن؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق: ۱۳۹۲ ** معناداری ۱٪

ردیف	مؤلفه	تعداد نمونه	ضریب اسپیرمن	ضریب معناداری (sig)
۱	میزان علاقه و دلبستگی نسبت به محل زندگی	۳۲۱	۰/۲۱۶	۰,۰۰۳**
۲	احساس دلتنگی نسبت به محل زندگی	۳۲۱	۰/۲۰۴	۰,۰۱۰**
۳	میل به ماندگاری در محل زندگی	۳۲۱	۰/۲۴۵	۰,۰۰۰**

جدول ۱۳. بررسی رابطه رضایت از خدمات شهری با کیفیت زندگی با ضریب همبستگی اسپیرمن؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق ، ۱۳۹۲؛ عدم معناداری NS ** معناداری ۱٪ * معناداری۵٪

ردیف	مؤلفه	تعداد نمونه	ضریب اسپیرمن	ضریب معناداری (sig)
۱	جمع آوری بهداشتی زباله	۳۲۱	۰/۱۱۴	۰,۰۴۱*
۲	نامگذاری صحیح خیابان‌ها و معابر	۳۲۱	۰/۱۰۶	۰,۰۵۸NS
۳	درختکاری معابر	۳۲۱	۰/۱۰۱	۰,۰۷۲NS
۴	مبلمان شهری	۳۲۱	۰/۱۳۴	۰,۰۱۶*
۵	شبکه‌ی گاز رسانی	۳۲۱	۰/۱۲۳	۰,۰۲۸*
۶	شبکه‌ی مخابرات	۳۲۱	۰/۱۴۷	۰,۰۱۷*
۷	حمل نقل عمومی	۳۲۱	۰/۰۷۱	۰,۰۲۳*
۸	مراکز و مؤسسات آموزش عالی	۳۲۱	۰/۰۴۷	۰,۳۹۶NS
۹	مراکز بهداشتی و درمانی	۳۲۱	۰/۱۴۹	۰,۰۰۸**
۱۰	مراکز فرهنگی	۳۲۱	۰/۱۷۱	۰,۰۳۸*
۱۱	جدول کشی معابر	۳۲۱	۰/۱۱۲	۰,۰۴۹*

اسپیرمن استفاده شده است. بدین صورت‌که از تک تک مؤلفه‌های خدمات شهری که در جدول شماره ۱۳ ذکر شده است آزمون گرفته‌ایم تا رابطه هر یک از مؤلفه‌ها با کیفیت زندگی شهروندان روشن شودکه نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد از بین مؤلفه‌هایی که مورد بررسی قرارگرفته‌اند برای رضایت از جمع‌آوری بهداشتی زباله، مبلمان شهری، شبکه‌ی گاز رسانی و غیره ضریب معناداری ۹۵٪ و برای رضایت از مراکز بهداشتی ـ درمانی ضریب معناداری ۹۹٪ بدست آمده است.

بنابراین، همانطورکه در جدول شماره ۱۲و ۱۳ مشاهده می‌کنید بیشتر خدمات مطرح شده بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر گذاشته‌اند؛ از جمله آنها جمع‌آوری بهداشتی زباله، مبلمان شهری، مراکز بهداشتی ـ درمانی، حمل و نقل عمومی‌و غیره است؛ بنابراین فرضیه مطرح شده مورد تأیید قرار می‌گیرد. بطورکلی بررسی‌های انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهدکه دادن امکانات به یک مکان و یا برخوردار بودن یک مکان از نظر شرایط زندگی می‌تواند برکیفیت زندگی افراد و ارتقاء سطح زندگی آنها تأثیر اساسی بگذارد. پس با ایجاد وگسترش امکانات در یک محیط می‌توان شرایط بهتری برای زندگی فراهم ساخت. از جمله این امکانات؛ ارائه خدمات شهری مطلوب و باکیفیت است‌که با توزیع و ارائه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

مناسب آن توسط مسئولین در شهر، رضایت شهروندان ازکیفیت زندگی بیشتر خواهد شد.

نتیجه‌گیری و جمعبندی

نواحی شهری مراکز اصلی رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشوری هستند که خود را به عنوان جذاب‌ترین نقاط برای ایجاد ثروت، کار، خلاقیت و نوآوری اثبات کرده‌اند اما این نواحی با چالش‌های مهمی در زمینه‌های تخریب فیزیکی و محیطی، محرومیت اجتماعی، کمبود مسکن، و ترافیک روبرو هستند که این مشکلات کیفیت زندگی شهری را به شدت کاهش می‌دهد. این مسائل و معضلات باعث شده تا امروزه کیفیت زندگی شهری به عنوان کلیدی‌ترین مفهوم در برنامه‌ریزی شهری مطرح شود. علاوه بر این چون کیفیت زندگی نشان دهنده ویژگی‌های کلی اجتماعی و اقتصادی و محیطی مناطق است، می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه اجتماع به‌کار رود. با توجه به مطالب ذکر شده، در این مقاله تلاش شده تا به بررسی سطح کیفیت زندگی شهروندان در نواحی مختلف شهر نیشابور با در نظر گرفتن ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و کالبدی- زیست محیطی بپردازیم. در مورد فرضیه اول، نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که ابعاد مورد بررسی (اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، کالبدی- زیست محیطی) در سطح نواحی مختلف شهر نیشابور متفاوت است؛ بطوریکه نتایج آزمون مربوطه ضریب معناداری ۹۹٪ را برای هر بُعد نشان می‌دهد در واقع رضایت شهروندان نواحی چهارگانه باهم متفاوت است. همچنین بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که شهروندان ناحیه چهار از کیفیت زندگی بهتری نسبت به سایر نواحی برخوردارند به دلیل اینکه امکانات وخدمات شهری در این ناحیه بیشتر و باکیفیت‌تر است و همچنین مردمی‌که در این ناحیه زندگی می‌کنند از نظر اقتصادی و اجتماعی وضعیت بهتری نسبت به سایر نواحی دارند. همچنین از نتایج بدست آمده می‌توان استنباط کرد که احساس تعلق به مکان بر روی کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد به گونه‌ای که نتایج آزمون رابطه‌ی مثبت بین این دو متغیر را نشان می‌دهد بدین معنا که هر چه وابستگی و داشتن احساس تعلق به یک مکان در بین مردم بیشتر باشد رضایت آنان ازکیفیت زندگیشان بیشتر خواهد بود بنابراین با تقویت عناصر فرهنگی و تاریخی که در این شهر وجود دارد و همین طور با ارائه خدمات بیشتر، می‌توان باعث افزایش احساس تعلق به مکان در بین شهروندان شد.

در رابطه با فرضیه‌ی سوم باید گفت که بین رضایت مردم از خدمات رسانی دستگاه‌های متولی شهری در زمینه‌های مختلف با کیفیت زندگی رابطه مثبتی وجود دارد به طوریکه نتایج آزمون نشان داد بیشتر مؤلفه‌های مطرح شده بر روی کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارند. در واقع هر چه این خدمات بیشتر و باکیفیت‌تر و با نیازهای مردم منطبق باشد رضایت آنها از سطح کیفیت زندگیشان بیشتر خواهد بود. بنابراین از آنجا که مفهوم کیفیت زندگی تمامی جوانب زندگی انسان مورد بررسی قرار می‌دهد برنامه‌ریزان با بررسی این مفهوم می‌توانند با بسیاری از مسائل و معضلاتی که مردم با آن سروکار دارند آشنا شوند. در پایان با توجه به نتایج بررسی‌ها و یافته‌های تحقیق، پیشنهادات و توصیه‌های به منظور ارتقای سطح کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه و برون رفت از وضعیت موجود ارائه و تدوین می‌شود.

- پراکنش مناسب خدمات در سطح نواحی مختلف شهر جهت دسترسی مناسب شهروندان.
- تکمیل طرح‌های مربوط به تأسیسات شهری از جمله؛ تکمیل طرح فاضلاب شهری به ویژه در ناحیه سه و تعریض معابر در بافت فرسوده.
- استفاده از فضاهای خالی و بناهای مخروبه و رها شده در هر ناحیه برای تأمین کاربری‌های مورد نیاز و افزایش امنیت شهروندان.
- اصلاح سیستم حمل و نقل عمومی و توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل متناسب با توسعه شهر در سطح نواحی.
- نتایج تحقیق بیانگر اینست که بیشترین آلودگی‌ها در ناحیه سه وجود دارد، بنابراین با ساماندهی صنایع مزاحم و انتقال آنها به شهرک صنعتی می‌توان آلودگی صوتی و آلودگی هوا را در این ناحیه کم کرد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

ـ افزایش خدمات اجتماعی ـ فرهنگی نسبت به جمعیت نواحی از جمله؛ کتابخانه، فرهنگ سرا و کانون فکری و پرورشی در سطح نواحی بخصوص در حاشیه ناحیه سه و دو.

ـ مشارکت دادن ساکنین و ارتقاء سطح مشارکت آنها در نیاز سنجی، تصمیم گیری واجرای برنامه‌های محلی که باعث بالا رفتن سرمایه اجتماعی می‌گردد.

ـ ارتباط مستمر شورای شهر و مسئولین شهری با مردم جهت آگاهی از نیازها و خدمات مورد نیاز آنان در زمینه‌های مختلف به خصوص در نواحی محروم تر.

ـ ایجاد بازارهای روزانه و هفتگی در سطح نواحی شهرجهت افزایش رفاه حال شهروندان، چون بیشتر بازارها در مرکز شهر قرار دارد و مناطق حاشیه‌ای از دسترسی به این بازارها محروم هستند.

ـ جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در زمینه ایجاد صنایع و تقویت صنایع بومی‌مانند صنعت ذوب آهن، صنعت ایران خودرو و غیره از طریق سیاست‌هایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، ارائه مشوق‌های مالی و غیره می‌توان زمینه اشتغال جوانان و افراد بیکار را فراهم نمود.

ـ تقویت زیرساخت‌های گردشگری (نظیر: ایجاد هتل‌ها، مسافرخانه‌ها، رستوران‌ها و غیره) در سطح شهر جهت کسب درآمد بیشتر.

ـ ساماندهی جهت توسعه شهر و جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت زمین و مسکن در برخی از نواحی از جمله در ناحیه چهار.

منابع و ماخذ

۱. امینی، مهدی (۱۳۸۵) شاخص‌های کیفیت زندگی شهروندی و نقش و وظایف دولت، هفتمین کنفرانس بین المللی مدیران کیفیت، تهران.

۲. باسخا، مهدی و همکاران (۱۳۸۹) رتبه‌بندی شاخص کیفیت زندگی در استان‌های کشور، فصلنامه علمی ـ پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۷.

۳. بحرینی، حسین (۱۳۷۸) تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران، دانشگاه تهران.

۴. بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۷۳) مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی، معیارهای آسایش صوتی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

۵. پورجعفر، محمدرضا و همکارن (۱۳۸۴) برنامه‌ریزی کیفیت زندگی در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲.

۶. جاجرمی، کاظم و ابراهیم کلته (۱۳۸۵) سنجش وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان مطالعه موردی: گنبد قابوس.

۷. خادم الحسینی، احمد و همکاران (۱۳۸۹) سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال اول، شماره سه.

۸. دهداری، طاهره (۱۳۸۱) بررسی تأثیر آموزش برکیفیت زندگی بیماران با عمل جراحی قلب باز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تربیت مدرس.

۹. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و همکاران (۱۳۹۰) ارزیابی توزیع کیفیت زندگی در مناطق روستایی مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان، پژوهش‌های روستایی، شماره دوم.

۱۰. زیاری، کرامت الله و همکاران (۱۳۸۹) تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره‌ی دوم.

۱۱. سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۱) فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، چاپ دوم، دانشگاه شیراز.

۱۲. علی‌اکبری، اسماعیل و مهدی امینی (۱۳۸۹) کیفیت زندگی شهری در ایران (۱۳۸۵-۱۳۶۵)، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶.

۱۳. غیاثوند، الهام (۱۳۸۸) تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محلات شهری، فصلنامه مهندس مشاور، شماره ۴۵.

۱۴. کیانپور، مسعود و علی ربانی خوراسگانی (۱۳۸۶) مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی: مطالعه موردی شهر اصفهان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۵، شماره ۵۹ 85.

۱۵. لطفی، صدیقه (۱۳۸۸) مفهوم کیفیت زندگی شهری؛

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

تعاریف و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری، فصلنامه علمی پژوهشی انسانی، سال اول، شماره چهارم.
۱۶. مدیح، عباسعلی (۱۳۸۵) نیشابور و استراتژی توسعه، انتشارات شهر فیروزه.
۱۷. محمدی، جواد و همکاران (۱۳۸۹) سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی از نظر شهروندان شهر مشهد، فصلنامه‌ی مطالعات مدیریت شهری، شماره‌ی سوم.
۱۸. مهدوی، شهرام (۱۳۹۱) ارزیابی و سنجش شاخص‌های توسعه در مناطق شهری، با تأکید برکیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهر کاشان)، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۱۹. موسوی کربلایی، سیدمحمد (۱۳۸۵) شوراهای اسلامی تحقق آرمان جمهوریت در نظام اسلامی، ماهنامه شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۷۴.
20. Allen J., voget. rebecca and cordes,S., (2002). quality of life in rural nebraska: trends and changes .institute of agriculture and natural resources
21. Harp ham T., and et al (2001). Healthy City Projects in Developing Countries: the First Evaluation, South Bank University, London
22. Lee Y.J., (2008). Subjective Quality of Life Measurement in Taipei, Building andEnvironment, No. 43(7): 1205-1215
23. Pal, A.K.Kumar,U.C., (2005). Quality of Life Concept for the evalution of Societal Development of rural Community in west Bangal, India, rural development, Vol. 15, No. 2
24. Profect M., (1992). Planning for Urban Quality, London, Societal Development of Rural Community in West Bangal, India, Rural Development, 4 (2). 122-135.
25. Schalock R. L.,(2004). the Concept of Quality of Life: What we Know and Do not Know. Journal of Intellectual Disability Research, Vol 48: 203- 16.
26. Rahman M., and et al (2003)¬. Measurin the Quality of Life Across Countries: A sensitivity analysis of well-being indices, wider internation-al conferences on inequality, poverty and human well-being, May 30-3 2003, Helsinki, Finland.
27. Tuan seik F., (2000). Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997-1998).
28. WHOQOL G., (1993). Study protocol for the world Health organization project to develop a quality of life assessment instrument, Quality of Life Research.
29. Rapley M., (2003). quality of life research, acirtical introduction, SAGE publication.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]